

هتل عروس

و

محاله که فکر کنید این طوری هم ممکنه بشه!



چهارم

چهارم

۵۶۷۱

چهارم

چهارم

چهارم

چهارم

چیستا یشربی

۸

۸۸۸

۸۸۸

۸۸۸

www.nashrgharb.com

info@nashrgharb.com

nashrgharb@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

بازی و باز هم بازی

یادداشت محمود دولت‌آبادی بر نمایش
«محاله که فکر کنید این طوری هم ممکنه بشه»

پایان یک نمایش پیوسته در حفیظاد دلیشه، در محفل کوچکی چون تئاتر
زیرزمینی سایه، و دگر داشتن پهنده در قضای فشرده و کاملاً غیربهداشتی، هنر
گروه تئاتر مروارید بود یا دوبازیگر چابک و دل‌سپرده به متنی که نویسنده
باترزی جوان (جیستا یثیری) آن را نوشته است. بازیگران نمایش، میما تیرانداز
و سعید جوزانی - نسبت بر قضا - هر کدام یک یا دو واحد ادبیات را با من در
گذشته گذرانیده؛ آن دو هر کدام چشم ویژه خود را داشتند. هم از آفتاب
حساسیت فوق‌العاده میما
آموزشی، چنان بود که گویی جز برای زندگی روی صحنه آفریده نشده است.

فهرست

- بازی و باز هم بازی (محمود دولت‌آبادی) ۹
هتل عروس ۱۳
محاله که فکر کنید این طوری هم ممکنه بشه! ۷۵

صحنه تاریک است. در باز می شود. دو مرد و متعاقب آنها
دوزن وارد می شوند.

مرد خواهرها بفرمایین.

زن ها چمدان در دست دارند و دور تا دور اتاق را با
کنجکاوی از نظر می گذرانند.

هتل دار بفرمایین. (زن ۱ چمدانش را زمین می گذارد.)

مرد (به هتل دار) دستشویش کجاست؟

هتل دار (دری را باز می کند.) این جاست بفرمایین، بفرمایین ببینین.

مرد (به خانمها) خواهرها بفرمایین.

زن ۲ (به زن ۱) بفرمایین.

زن ۱ (به زن ۲) بفرمایین.

بالاخره اول زن ۲، بعد زن ۱، سپس مرد و در آخر هتل دار
وارد می شوند.

این نمایش در جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر فجر سال ۷۹ به کارگردانی سیما
تیرانداز به روی صحنه رفت، سپس به مدت یک ماه در تئاتر شهر اجرای
عمومی داشت.

مکان: هتلی متروک

زمان: دو روز و دو شب پیاپی

آدم‌ها:

۱- زن ۱

۲- زن ۲

۳- مرد (رئیس)

۴- هتل دار

مرد چراغش کجاست؟
 هتل دار همون جا پشت در.
 مرد این جا؟ (چراغی پیدا نمی کند.)
 هتل دار نه همون جا.
 زن ۱ این جا؟
 زن ۲ نه - مثل این که این جا.
 هتل دار اجازه بدین - خواهرها برین کنار - اجازه بدین - خواهر
 رد شین کنار - اون کلیدی که پشت تونه رو بزنین.
 مرد اینو؟
 هتل دار نه اون یکی رو. اجازه بدین خواهر. خواهر بشینین. (کلید را
 می زند.)
 مرد خب این از دستشویی. اینم دوش. صابون عروسم داره.
 هتل دار سیفونشم خوب کار می کنه. اجازه بدین. بشینین خواهر.
 یه کم کنار برین. بفرمایین. اینم سیفون. (سیفون را می زند.)
 سیفون از این قوی تر پیدا نمی کنین. عینهو آبشار نیاگارا
 می مونه.
 مرد خوبه. دستشویی مشکل نداره.
 هتل دار اختیار دارین قربان، بقیه شم بی مشکله. مهم دستشویییه.
 این اتاق یکی از بهترین اتاق های ماست.
 مرد خب بایدم باشه. ما اگه سختی بکشیم مهم نیست. ولی
 خواهرای همکارمون باید راحت باشن. ما به
 خونواده هاشون قول دادیم که تو این سفر بهشون بد نگذره.
 هتل دار توی هتل عروس به هیچ کس بد نمی گذره. خب حالا
 نمی خوائین تشریف ببرین؟
 مرد کجا؟

هتل دار بیرون.
 مرد چرا. چرا... بفرمایین.
 هتل دار اول شما بفرمایین.
 مرد شما میزبانین. راهو بلدین.
 هتل دار شما مهمونین، مقدمین!
 مرد خواهرها بفرمایین.
 زن ۲ بفرمایین.
 مرد بفرمایین.
 زن ها دست شان را پشت کمر هم می گذارند و هر کدام
 می خواهد دیگری را به زور بیرون بفرستد. بالاخره زن ۲
 موفق می شود وزن ۱ را به جلو می راند.
 زن ۲ این دفعه دیگه شما! (پشت او، زن ۲ و بقیه خارج می شوند.)
 در اتاق زن ها تخت ها را واری می کنند. ملحفه ها را کنار
 می زنند و بالش ها را پشت و رو می کنند.
 مرد این پنجره به کجا باز می شه؟
 هتل دار به حیاط خلوت.
 مرد حیاط رو به کجاست؟
 هتل دار خونه ی همسایه.
 مرد به طرف پنجره ها می رود یکی از پنجره ها را باز می کند و
 بیرون را واری می کند.
 هتل دار (به زن ها) ملحفه هاش تازه عوض شده. خیال تون راحت
 باشه خانوما!